

خواهد بود' و دیگر jus gentium که معنی قانون
نجباء و جزئی از قوانین وضعی بوده است' که در دولت
روم معمول بوده‌است.

ملک، خلاقی

قانون طبیعی در شخص مقتنی یا ک تاثیر فوق العاده داشته و در عمل تقینی و باوضع قوانین مدخلیت بزرگ خواهد داشت و بالاخره برای قانون طبیعی در عرف و اصطلاح علماء حقوق دو معنای دیگر نیز دیده میشود *jus naturale* که علی الظاهر هر روط بحیوانات و انسان بویژه کودکان

شرایط تشکیل عقد نکاح

قرارداد و در اینصورت لازم است انقضای مدت صریحاً
معین گردد مثلاً کفته شود تا ظهر یا تاغروب آفتاب
حداکثر مدتی که می‌شود برای نکاح مقطع پیش‌بینی کرد
ممکن است از دوره زندگانی انسانی متجاوز باشد
فرض کنیم که نکاح مقطعی بدون تعیین کامل
مدت منعقد گردد آیا چه صورتی خواهد داشت بعقیده
بعضی باطل است بنابراین قید بعدی مدت موجب صحبت
آن خواهد شد - دیگران می‌گویند چون اصل در نکاح
دوام است پس عدم ذکر مدت دلیل برایستگه نکاح
منعقد دائمی می‌باشد بعقیده انصاری چون بین نکاح
دائم و نکاح مقطع ماهیتاً اختلاف است تبدیل یکی
بدیگری غیر ممکن می‌باشد و علامه اضافه می‌کند که
اگر در نکاح مقطعی ذکر مدت نشود چگونه بنکاح
دائم تبدیل خواهد گردید و حال اینکه متعاقدين قصد
نکاح دائم را نداشته‌اند چنین تبدیلی مخالف قصد طرفین
خواهد بود .

بعقیده نگارنده هر گاه نکاحی بدون ذکر مدت منعقد شد اصل اینستکه دائمی باشد پس طرفی که مدعی انقطاع است باید دلائل متبه خود را اقامه نماید - فرض میکنیم که وی موفق به اثبات ادعای خود گردد رای نصوت چون مقصود طرف دیگر نکاح دائم بوده عقد بعلت عدم تراضی واقعی باطل خواهد بود - اشکال فقط در مرور دی است

III شرایط صحیحه اجباری

در شماره های گذشته از فرق بین شرط صحیح و شرط فاسد گفتگو شد - شرایط صحیحة که سابقاً مورد بررسی واقع گردید اختیاری بودند اینک میخواهیم از شرایط صحیحة صحبت کنیم که «اجباری» میباشدند یعنی شرط صحبت عقد را تشکیل میدهند - مقصود ما شرعاً مدت و شرط مهر در نکاح منقطع میباشد

ماده ۱۰۷۶ قانون مدنی ایران میگوید: «مدت نکاح منقطع باید کاملاً معین شود»

ماده ۱۰۹۵ قانون مدنی ایران چنین میگوید: «در نکاح منقطع عدم ذکر ههر در عقد موجب بطلان است» حال باید دید علت ضروری بودن این دو شرط در نکاح منقطع چیست؟

۱- شرط مدت در نکاح منقطع

ازوم شرط مدت در نکاح منقطع واضح است زیرا همین
شرط است که وجه امتیاز بین آن دورا تشکیل میدهد
قانونگذار ایران حداقل و حد اکثری برای مدت
نکاح منقطع پیش بینی نکرده است و طرفین میتوانند
به نحوی که بخواهند نسبت با آن توافق نظر حاصل نمایند
مدت لکاح منقطع ممکن است کم یازیاد باشد
مثلث شامل چندین سال یا چندین ماه و یا چند روزی
که دد حتم میتوان قسمتی از یک شباهه روز را مدت

این عقیده آنکه حق زن نسبت بتمام همراه مشروط است
بااطاعت وی، از شهر خود در تمام مدت عقد

چون در قانون مدنی ایران چنین شرطی بیش
بینی نشده و حتی از ماده ۱۰۹۶ قانون مدنی عکس آن
استنباط میشود عقیده بالد را نمی توان قبول نمود باکه
باید گفت: لزوم وجود مهر در نکاح منقطع بعملت اینست که
زن غیر دائم حق نفعه ندارد و در اینصورت مهر تا اندازه
قائم مقام آن میگردد - بحث مفصل تر در این موضوع
باذکر ادلله کافیه بعداً خواهد شد.

۳ - مقایسه بین نکاح مفقط در حقوق ایران و

«مخدوابگی» در حقوق دم و فرانسه -

دکتر دادو زد

که طرفیف پس از تنظیم قبایل نکاحیه مدعی شوند که مقصودشان نکاح منقطع بوده و حال اینکه در سند هزارقیدمدت نگردیده دراینصورت اگر قبایل نکاحیه سند رسمی باشد مسلمانمی توان بجهنین ادعائی ترقیب ائر داد و لذا باید نکاح دائمی تلقی شود

۲ - شرط مهر در نکاح منقطع

ماده ۱۰۹۵ قانون مدنی ایران عدم ذکر شهر را در نکاح همقطع موجب بطلان دانسته است

در این جام ممکن است سؤال شود چرا در نکاح مقطع مهر حائز چنین اهمیتی است و حال اینکه در نکاح دائم نبودن مهر موجب بطلان نمیباشد.

بعضی از مؤلفین معتقدند که نکاح مقطع در واقع عقدی است. موضوع شبیه با جاره و بهمین جهت در آن ثمن هدایه علی‌اصولی صحت بشمار می‌آید. دلیل هشت

دیخت در اظراف ماده ۶۶ قانون مدنی

تجمعه بجهة تبله نعلم، ندية نيل، تمناً أو بلوبيخى ملفو فروعات المعاشر.